

کومله: دفاع شتابزده

تبرستان

www.tabarestan.info

جنگ تحمیلی گنبد و حاکمیت

دو مقاله از ریگای گل شماره ۶

ارمان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - شاخه کردستان

تبرستان
www.tabarestan.info



شماره ۲۵۵

کومله: دفاع شتابزده

و
تبرستان

www.tabarestan.info

جنگ تحمیلی گنبد و حاکمیت

دو مقاله از ریگای گهل شماره ۶

ارتان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - شاخه کردستان

تبرستان

www.tabarestan.info

تحمیل جنگ به خلق ترکمن در کردستان با واکنش بشمار شدیدی در میان توده‌ها و نیروهای سیاسی روبرو گردیده و احساس تاجر و همبستگی عمیق آنها را برانگیخته است.

این جنگ برای خلق ما که با گوشت و پوست خود تهاجم نیروهای سرکوبگر را تجربه کرده و حماسه بزرگ جنبش مقاومت را ساخته است نمی‌تواند مورد توجه خاصی قرار نگیرد و احساس همبستگی خلق ما را با خلق دلاور ترکمن برنیا نگیرد. همچنین این جنگ برای نیروهای انقلابی و مبارز در تحلیل تغییر و تحولات جناح‌های موجود در حاکمیت و در خارج از آن انگیزه و میزان نقش هر یک، از اهمیت بزرگی برخوردار است. بهمین دلیل ارائه یک تحلیل درست از ریشه و جنبه‌های وحدت و تضاد مشخص بین نیروها در جنگ گنبد بعنوان یک نقطه مهم و برجسته در روند تغییرات پرنوسان نیروها پس از قیام، ضمن اینکه می‌تواند خود این نقطه مهم را زیر میکروسکوپ تحلیل قرار دهد، بلکه مهمتر از آن می‌تواند و باید که به باز شدن آن گره‌های کوری که در اذهان جستجوگر در مورد این روند پیچیده وجود دارد کمک نماید، ما می‌کوشیم به سهم خود در این نوشته جنگ گنبد و رابطه مشخص آن را با جناح‌های هیئت حاکمه نشان دهیم.

دیگر بخش بزرگی از مردم مبارز ایران می‌دانند که جنگ تحمیلی گنبد

توسط چه کسانی آغاز شد و اکنون پس از ترور و اعدام رهبران ستاد شوراهای ترکمن صحرا و اعضای سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و بسیاری از فرزندان دلاور این خلق که تیرباران شدند ماهیت جنگ تحمیلی گنبد برای تعداد بازم بیشتر روشن می‌گردد.

آنها در آغاز همانند دوران اولیه تهاجم در کردستان ادعا کردند که گروهی در ترکمن صحرا با همکاری فئودالهای منطقه علیه جمهوری اسلامی دست به توطئه زده‌اند آنها ادعا کردند که ستاد مرکزی شوراهای خلق ترکمن لانه جاسوسی است. و سرانجام گفتند که ضد انقلاب علیه ملت مستضعف در گنبد توطئه کرده و دست به سنگربندی زده است! و رئیس جمهور بنی صدر ترکمن صحرا را لانه فساد نامید و خواستار شدت عمل و قاطعیت انقلابی در مورد این منطقه گردید و هنگامی که مردم کشتار شدند هنگامی که خانه‌های آنها به آتش کشیده شد و مردم ترکمن از شهر کوچ کردند بنی صدر گفت: تازه این ده درصد از قاطعیت انقلابی ماست.

در دوران تهاجم به کردستان نیز تمام این دعاوی بوج و تحریف شده از جانب هیئت حاکمه تبلیغ شده بود در آغاز جنگ تحمیلی رئیس جمهور بنی صدر مسئولین سپاه پاسداران - خلخالی - فرماندهان مزدور ارتش و مسئولین اجرائی منطقه در تلاش بخاطر جمل و تحریف حقایق هر روز اراجیف خود را علیه ستاد شوراهای خلق ترکمن و فعالیت سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در گنبد تکرار کردند. ولی پس از برملا شدن ترور رفقای فدائی و بلند شدن صدای اعتراض همه نیروهای ترقیخواه و ضد امپریالیست علیه این جنایت مدعیان افشاگری علیه توطئه‌ها سازمان! در توجیه همدستی با عاملین این جنایت درمانده و بخاطر گم ساختن رد پای خود در این عمل ننگین ظاهرا " آن را محکوم نمودند. و هنوز مردم از بهت و حیرت همراه با انزجار نسبت بدان بپرون نیامده‌اند که مشاهده می‌شود در روزنامه‌ها اعلامیه‌هایی چاپ شده و این اعمال تروریستی و فاشیستی را به فلان گروه موهوم نسبت داده‌اند. هم جنایت و هم شیوه سرپوش نهادن بر آن چنان بر یکدیگر منطبق است که جای هیچگونه

تردید باقی نمی‌ماند که طراحان آن جز مامورین ساواک و کارگزاران سیستم سرمایه‌داری وابسته نمی‌توانند باشند .

خلخالی در همان روز ورود به گنبد اعلام نمود که برای کشتار نیامده‌است در طی دوران جنگ و پس از آن نیز برخلاف کردستان دادگاههای شرع ظاهرًا هیچکس را محاکمه نکردند . و حتی اعلام نمودند که بسیاری از دستگیرشدگان به دستور خلخالی آزاد شده‌اند . ولی بعداً روشن می‌شود که تعداد زیادی از رزمندگان بدون محاکمه ترور و اعدام شده‌اند و خلخالی جلاد و سایر مسئولین امور از اینهمه اظهار بی‌اطلاعی می‌کنند . آیا میان سخنان اولیه خلخالی که گفته بود برای کشتار نیامده و عدم برپائی دادگاههای شرع بصورت رسمی در منطقه و سپس اعدام مخفیانه رزمندگان اسیر شده رابطه‌ای نزدیکی وجود ندارد؟ آیا میان این گفته خلخالی که وقیحانه ادعا نمود رفقا توماج، مختوم ، واحدی و جرجانی را خود فدائیان کشته‌اند و بدنبال آن چاپ این اعلامیه‌ها در کیهان! که این افراد را فلان گروه موهوم کشته است پیوندی وجود ندارد؟ آیا تناقضات آشکار در سخنان دست‌اندرکاران مسئله گنبد نشان نمی‌دهد ، حال که مسئله بر ملا شده و آنها در مقابل افکار عمومی قادر به توجیه آن نیستند ، بطور ضمنی یکدیگر را متهم می‌کنند و آیا بر اساس واکنشهای منفی وسیع دادگاههای شرع در کردستان و عواقب بعدی آن و موقعیت بسیار مستحکم ستاد شوراها و مسئولین آن در میان دهقانان و زحمتکشان ترکمن صحرا نمی‌توان نتیجه گرفت که آنها در گنبد دیگر نمی‌توانستند همان شیوه کردستان را در کشتار انقلابیون به‌کار گیرند؟ آری ما چنین اعتقاد داریم . ولی این به‌تنهایی توضیح دهنده دلیل در پیش‌گرفتن چنین شیوه‌هایی نیست و ما مبنای مسئله را در وضعیت عمیق جامعه یعنی کیفیت صف‌بندی طبقات و مبارزه طبقاتی می‌دانیم که با دوران تهاجم به کردستان بسیار متفاوت است . واقعیت این است که پس از پیروزیهای درخشان جنبش مقاومت در کردستان و پایان یافتن جنگ گسترده در منطقه و آثار تبعی آن در تشدید تضادهای جناحهای درون حاکمیت که بالاخره پس از یک حرکت جهشی از سوی خرده بورژوازی سنتی منجر به تقویت جناح ضد

امپریالیست گردید. پیروزی جنبش مقاومت خلق کرد که پیروزی نیروهای انقلابی و دموکرات منطقه و کل ایران بود از یکسو هیئت حاکمه و همه جناحهای متشکله اش را دچار آسیب‌های جدی نمود و از طرف دیگر در درون خود هیئت حاکمه تعادل قوانین دو جناح که یکی خرده بورژوازی سنتی را نمایندگی می‌نماید و دیگری در مجموع طبقه سرمایه‌دار را به نفع دومی بهم خورد. در طول جنبش مقاومت خلق کرد، بورژوازی بیشترین تعرض را نسبت به مواضع خرده بورژوازی سنتی صورت داد. او با بهانه قرار دادن جنگ تلاش نمود ارتش را بازسازی نماید. او بسیاری از مواضع کلیدی در ارگانهای حکومت را به دست گرفت تا توان بودن سپاه پاسداران را بنحوی زیرکانه نشان داد و بزیرتری ارتش و لزوم تقویت آن را و اینکه بدون ارتش پاسداران پیشیزی نمی‌ارزند را اثبات کرد. سیاست خارجی را آنگونه که خود می‌خواست سمت داد هر آن "خطر کمونیستها را دائما" صد برابر نشان داد تا جناح دیگر بپذیرد که باید قدرت را به آنها که خیلی از آن "لایق" تر هستند، تفویض نماید. و از سوی دیگر با مانورهای بسیار محیلانه می‌خواست توده‌ها را بفریبد که "حکومت یک مشت ملا" نمی‌تواند مسایل جامعه را حل نماید. امپریالیسم سیاست خود را بر این قرار داده بود که هرچه بیشتر جناح خرده بورژوازی سنتی را در حاکمیت تضعیف کند. اما هنگامی که رهبری خرده بورژوازی سنتی مشاهده نمود که از یک طرف سرعت دارد موقعیت فائقه اش در حاکمیت ضربه می‌خورد و از طرف دیگر باور توده‌ها نسبت به آن هر روز متزلزلتر میگردد. دست به یک حرکت جهشی می‌زنند و مبارزه ضد امپریالیستی را با تهاجم به لیبرالها به شیوه خاص خود گسترش می‌بخشد. و ما با اعتقاد به واقعیت تضادهای درون حاکمیت گفتیم باید از این پس به تشدید روزافزون مبارزه طبقاتی و ریختن توهم توده‌ها نسبت به حاکمیت ایمان داشت و ز آن به شایستگی استقبال نمود. و دیدیم که طی ماههای گذشته مبارزه خرده بورژوازی حاکم با لیبرالها و نمایندگان سرمایه‌داری انحصاری شدت یافت و خرده بورژوازی از تریبون سفارت آمریکا بخاطر بسیج توده‌ها و مرعوب ساختن لیبرالها و به اطاعت واداشتن آنها بیش از پیش استفاده نمود.

علیرغم چهارچوب‌های تنگ و محدود مبارزه ضد امپریالیستی خرده - بورژوازی توده‌های مردم وسیعاً از تقابل میان خرده‌بورژوازی حاکم و لیبرالها جهت گسترش مبارزه ضد امپریالیستی خود استفاده کردند و نیروهای ترقی‌خواه و ضد امپریالیست واقعی با شرکت فعال در مبارزات ضد امپریالیستی مردم و ادامه پیگیرانه افشاگری بر علیه سرمایه‌داران لیبرال و سایر جاسوسان و دوستان امپریالیزم این مبارزه را از حدود مشروع و مجاز خرده‌بورژوازی بسیار بیشتر بردند و در این مبارزه از حمایت وسیع توده‌ها برخوردار شدند بازتاب این وضعیت در تغییر صف‌بندیهای طبقاتی جامعه بدین ترتیب بود که در نتیجه آن: مواضع کمونیستها و دموکراتهای انقلابی بیش از گذشته در میان توده‌ها تقویت شد تشدید مبارزه طبقاتی به گسستگی هرچه بیشتر در حاکمیت انجامید. توده‌ها بمقدار قابل ملاحظه‌ای از حمایت لیبرالها که خود را در پشت ریش و تسبیح پنهان کرده‌اند دست کشیدند و شک و تردید نسبت بدانها که اغلب دوستان امپریالیسم از کار در می‌آمدند آغاز شد. و آنها امروز با تأیید امام نیز نمی‌توانند حمایت گذشته توده‌ها را نسبت به خود جلب نمایند. ورشکستگی کاندیدای حزب جمهوری اسلامی بعنوان حزب حکومتی در جریان انتخابات ریاست جمهوری و بسیاری از چهره‌هایی که در اوایل قیام مردم را فریب داده بودند، حمایت وسیع آنها را از کاندیدای مورد حمایت کمونیستها و دموکراتهای انقلابی و انتخاب بنی‌صدر فردی که عملکردهایش طی ماههای گذشته وی را از طرفی از حزب جمهوری اسلامی و تز ولایت فقیه و از جانب دیگر از لیبرالهای سرشناس متمایز مینمود نقطه عطفی بسیار مهم بود. در این جا منظور این نیست که بنی‌صدر آن فردی است که توده‌ها میخواهند بلکه منظور این است که نشان دهیم معیارهای توده برای قضاوت نسبت به چند ماه پیش چگونه تغییر یافته است.

تشدید بحران سیاسی و ادامه بحران اقتصادی بهمراه با ضعف مفرط خرده بورژوازی در سازماندهی نظام تولید در جامعه سرمایه‌داری ایران و عدم توانایی‌اش بخاطر ایجاد دولتی از آن خودگسستگی بیشتر توده‌ها را از حاکمیت

باعث گشته است. از این رو اگر در طول جریان جنبش مقاومت خلق کرد نیروهای انقلابی و دموکرات تقویت میگردد و از بین دو جناح تضعیف شده هیئت حاکمه خرده بورژوازی سنتی یستر تضعیف می شود، در طول مبارزات ضد امپریالیستی چهار ماه اخیر، مواضع نیروهای انقلابی و دموکرات بمراتب بیشتر تقویت میگردد و جناح بورژوازی به عقب نشینی های جدی وادار میشود. و خرده بورژوازی مطمئن از اینکه با استفاده از مبارزه ضد امپریالیستی توده ها، کنترل برلیبرالها را موقتا بدست آورده در عین حال جهت حفظ حاکمیت خود در هر جا که کمونیستها را خطری بالفعل برای خود احساس کند لبه تیغ را به سوی نیروهای پرولتری و متحدین آنها یعنی دموکراتهای انقلابی متوجه مینماید. او نمیتواند در هر کجا که شاهد نوعی از حاکمیت زحمتکشان است آن را تحمل نماید. گنبد از یک زاویه و کردستان از زاویه دیگر چنین وضعی را دارا هستند. آنها دیگر نمیتوانند همانند گذشته به حمایت وسیع توده های متکی باشند و توده ها اکنون بسیار کمتر از گذشته حاضرند از اعمال غیر دموکراتیک و ارتجاعی آنها حمایت نمایند مجموع این شرایط همان پایه های است که باید ریشه اتخاذ شیوه های تروریستی در مبارزه با انقلابیون کمونیست و دموکراتهای انقلابی را در آن جستجو نمود. و واقعیت های موجود نشان میدهد که حداقل جناح راست رهبری خرده بورژوازی در موارد مشخص در اعمال این شیوه ها با بورژوازی همدستی نموده است. باید توجه نمود که شیوه های تروریستی در مبارزه با انقلابیون هر روز بیشتر شکل میگیرد و ما بغیر از مورد ترور رفقای گنبد در زندان شاهد نمونه های دیگری از این قبیل در گوشه و کنار هستیم که ماهیت نیروهائی که از این شیوه ها استفاده مینمایند با نمونه گنبد تشابه بسیار نزدیکی را نشان میدهد که ما در همین شماره نشریه به دو نمونه آن یعنی ترور رفقا سعید عقیقی در کرمانشاه و سعید جوان مولائی از رفقای دفتر سندج اشاره کرده ایم. بی سبب نیست که این بار آنها در تحمیل جنگ به خلق ترکمن نظیر دوران تهاجم به کردستان نمیتوانند با تبلیغات دروغین مردم را به دفاع از سیاستهای خود وادارند و الزاما جهت سرکوب خلق ترکمن بیشتر به تقویت نیروهای

سرکوبگر ارتش ضد خلقی و پاسداران مرتجع و سازماندهی و مسلح کردن باندهای سیاه متکی هستند. نمایندگان نیروهای وابسته به سرمایه‌داری در تمام کشورها، هرگاه جنبش انقلابی نوده‌ها اوج می‌گیرد و بواسطه بحران سیاسی اقتصادی و گسختگی و ناهمگونی در حاکمیت نمی‌توانند سیستم سرکوب سازمان‌یافته‌ای را پیاده نمایند به سازماندهی باندهای سیاه و فالانژ و سیاست‌های توطئه‌گرانه و تروریستی روی می‌آورند. و آنچه که اکنون در گوشه و کنار میهن ما اتفاق می‌افتد نمود روشنی از این سیاست است. دیگری در حمله به تظاهرات و میتینگ‌های نیروهای مترقی کمتر اثری از توده‌های ناآگاه و متعصب به چشم می‌خورد. بلکه سازمان یافتگی حرکات آنها و شیوه‌هایی که در برخورد بکار می‌گیرند حکایت از آن دارد که آنها از جانب پاره‌ای محافل ارتجاعی درحاکمیت و یا بیرون از آن بخاطر چنین عملیاتی سازمان یافته‌اند. و با باندهای سیاهی که ربودن و ترور انقلابیون را آغاز کرده‌اند.

بورژوازی همواره از تمرکز حاکمیت سیاسی و اقتصادی خود دفاع می‌کند زیرا بخاطر ادامه غارتگری خود بدان نیاز دارد. این مسئله در مورد خرده بورژوازی و پرولتاریا جهت ایجاد حاکمیت آرمانی خود نیز مصداق دارد. ولی موفقیت هر یک از آنها با میزان توان تاریخی‌شان جهت سازمان دادن سیستم تولید در چهارچوب مرحله تکامل ارتباط دارد. بدین لحاظ است که خرده بورژوازی سنتی علیرغم هر تلاش که جهت تحکیم حاکمیت خویش بعمل آورد ولی از آن جا که وابسته به اشکال تولید عقب‌مانده جامعه است نمی‌تواند سازمانگر سیستم تولید و مناسبات اجتماعی در جامعه ایران باشد زیرا وی می‌کوشد تاریخ را به عقب برگرداند. و این مبارزهای است که سرنوشت آن را تنها مبارزه تاریخی پرولتاریا و بورژوازی حل خواهد نمود. مبارزهای که در پایان آن سرگ بورژوازی حتمی است.

قیام تاریخی ۵۷ در میهن ما بند از بند سیستم تمرکز سرمایه‌داری گسست و توده‌های قیام کننده بر اساس کیفیت آگاهی طبقاتی‌شان ارگان‌های خاص خود را ایجاد نمودند. شوراهای کارگران، دهقانان، نظامیان و... دیگر نهادهای

خلقی با کیفیت‌های متفاوت در دوران قیام و پس از آن شکل گرفتند. و از دوران قیام تا به امروز سیاست بورژوازی در درون حاکمیت مبنی بر نابودی این نهادها جهت ایجاد نهادهای متمرکز سرمایه‌داری بوده است. و خرده - بورژوازی حاکم نیز هر جا که این نهادهای توده‌ای را پیشرفته‌تر از حاکمیت آرمانی خود یافته در جهت تهی‌ساختن آنها از محتوی واقعی‌شان و انطباق آنها با آرمانهای خود و در بسیاری موارد نیز بخاطر نابودی کامل آنها اقدام کرده است. و ما تحمیل جنگ به خلق ترکمن از جانب عوامل فتوادلها و زمینداران بزرگ منطقه با همکاری نیروهای وابسته به بورژوازی در حاکمیت و سپس همکاری و تأیید همراه با سکوت خرده بورژوازی از این تهاجم را در این رابطه است که مورد بررسی فرارمی‌دهیم. زیرا ایجاد حاکمیت شورائی توسط دهقانان در ترکمن صحرا چیزی نیست که منافع هیچ یک از جناحهای حاکمیت را تأمین نماید. بر عکس آنها شوراها ترکمن صحرا را درست در مقابل حاکمیت خود می‌بینند. زیرا در آنجا هیچ یک از آنها نقش رهبری و تسلط را ندارند. ستاد مرکزی شوراها روستائی ترکمن صحرا طی یک سال فعالیت خود موفق شد با حمایت گسترده دهقانان و زحمتکشان، صدها هزار هکتار از زمینهای منطقه را از دست غاصبین و زمینداران بزرگ خارج نموده و به حاکمیت جابرا نه‌آنها بزحمتکشان ترکمن پایان بخشد. تشکیل شوراها روستائی بر روی حاصل‌خیزترین زمینهای کشاورزی ایران که سالهای طولانی دهقانان زحمتکش بر روی آنها به‌شدیدترین نحو غارت شده‌اند. یکی از بزرگترین دستاوردهای زحمتکشان ایران در دوران پس از قیام بود. اینها دیگر آن شوراها را بالا تشکیل شده نبودند که از محتوی واقعی خود تهی شده باشند. این شوراها عالیترین شکل حاکمیت زحمتکشان در ترکمن صحرا بودند و طبیعی است که حاکمیت کنونی و هیچ یک از جناحهای آن نمی‌توانند حاکمیت شوراها دهقانی در منطقه را که بدون حضور آنها اعمال می‌شود بپذیرند. زیرا خرده بورژوازی نیز این شوراها را ناآن‌جایی می‌پذیرد که خود بعنوان قدرت فائقه در آن شرکت داشته باشد و حاکمیت توده‌ای مالکیت محدود و مشروع وی را نقض نکرده باشد. در حالیکه در تمام

مناطقى که شوراها تشکیل شده بودند دیگر از مالکیت خصوصی دهقانان اثرى نبود در اینجا کشت و برداشت محصول تماما " بصورت دسته جمعى صورت مى گیرد و محصول آن براساس نیروی کار میان خانوارهای دهقانى تقسیم مى شود . دهقانان ترکمن صحرا با تمام وجود از کشت شورائى پشتیبانى مى کردند . آنها حتى در چند مورد که از طرف وزارت کشاورزى زمینهای فئودالها را میانشان تقسیم کردند خود داوطلبانه مرزهای تقسیم شده را بهم ریختند و زمینهای خود را یک کاسه کردند که این مسئله باعث نازاحتى مسئولین وزارت کشاورزى شده بود !

علاوه بر این آنها در منطقه شاهد حضور فعال سازمان چریکهای فدائى در مبارزات دهقانان بودند . آنها احساس مى کردند که رشد نهادهای شورائى هرچه بیشتر اعتبار و نفوذ سازمان را در میان زحمتکشان افزایش مى دهد و این مسئله جهت تقویت کل سازمان در جنبش دارای عملکردهای بسیار مثبتى خواهد بود . زیرا پیروزی دهقانان و زحمتکشان در معادله زمینها و ایجاد شوراهای دهقانى پیروزی سازمان ما نیز هست . و این دو در ترکمن صحرا از یکدیگر تفکیک ناپذیر است . و در این مسئله برای ما جای هیچگونه شک و تردیدى وجود ندارد که هیچ یک از جناحهای خرده بورژوازی در مقابل گسترش پایگاه کمونیستها در میان زحمتکشان که همزمنى آنها را در کل جنبش تضعیف میکند ساکت نخواهند نشست آنها در شرایطى که با سازمان بعنوان نیروی عمده چپ روبرو مى باشند . و آن را بالفعل در مقابل خود مى بینند . آنها در چنین مواردى تمایلات سرکوبگرانه خود را بطور مشخص نشان خواهند داد . این مسئله نشان مى دهد که چرا آنها در سرکوب جنبش کمونیستى و مبارزه طبقاتى کارگران و زحمتکشان و سرکوب مبارزات رشد یافته خلقها با ارتجاعى ترین جناحهای وابسته به امپریالیسم ، همسو و همگام مى شوند . ولى ما با درک تمایز طبقاتى نیروهای شرکت کننده در این اعمال ارتجاعى و ضد انقلابى در آن نقطه مشخص حق نداریم انگیزهها و تمایلات گوناگونى را که در این حرکت عمل مى کند نادیده بگیریم و اعلام کنیم که دیگر تضاد میان بورژوازی لیبرال و سایر دوستان امپریال-

لیسم با خرده بورژوازی پایان یافت. ما ضمن محکوم ساختن این اعمال و ایستادن در مقابل حرکات سرکوبگرانه آنها، باید تاکتیک‌های خود را بسیار دقیق در مقابل هر یک تنظیم نمائیم. و مرز وحدت و تضادهای موجود را بصورت دلخواه درهم نریزیم. بدون تردید شرکت خرده بورژوازی در سرکوب مبارزات خلقها، طبقه کارگر و زحمتکشان... همراه با ضعف تاریخی وی در پاسخگویی به نیازهای توده‌ها، هر روز پایگاه وی را بیشتر از قبل در میان توده‌ها تضعیف کرده و پروسه استحاله و تجزیه رهبری خرده بورژوازی را تسریع می‌کند. و ما همگامی و شرکت و سکوت همراه با ناآگاهی خرده بورژوازی را با مرتجع‌ترین نیروهای وابسته به امپریالیسم در سرکوب خلق ترکمن در این رابطه است که مورد بررسی قرار میدهیم. زیرا گسترش و تعمیق مبارزه طبقاتی دهقانان ترکمن صحرا زیر رهبری کمونیستها امری نیست که خرده بورژوازی با آن سرسازگاری داشته باشد اگر آنها در جریان جنگ خونین فروردین ماه نتوانستند حاکمیت شوراهای دهقانی را درهم بکوبند بدین خاطر بود که آن بخش از لیبرالها که توانسته بودند خود را از ضربات دوران قیام مصون نگاهدارند و اعتماد خرده بورژوازی سنتی را جلب کرده بودند، خواستار حفظ آرامش و پیشبرد سیاست گام به گام جهت قبضه کردن کامل قدرت بودند و خرده بورژوازی سنتی به حاکمیت رسیده نیز در توهم اینکه همیشه آن حمایت توده‌ای را پشت سر خواهد داشت کمونیستها را خطر بالفعلی در مقابل خود نمی‌دید و عمدتاً "درگیر سرکوب وابستگان نزدیک به رژیم سلطنتی بود. در چنین شرایطی خرده بورژوازی نمی‌خواست و بنبعث نیز نبود نیروهائی را که در جریان قیام بجان کوشیده بودند سرکوب نماید. و از طرف دیگر فتودالها و زمینداران بزرگ منطقه در مقابل گسترش حاکمیت شورائی این چنین متشکل نشده و روابط خود را با پاره‌ای عناصر درون حاکمیت بازسازی ننموده بودند. ولی درست اکنون در شرایطی که دیگر فتودالها و زمینداران بزرگ موجودیت خود را در منطقه با نابودی کامل روبرو می‌بینند و بر این اساس بخاطر جنگ افروزی از طریق ارتباط نزدیک با دوستانشان در حاکمیت، باندهای سیاه را

سازمان داده و آنها نیز در تقویت ارتش ضد خلقی و استخدام هرچه بیشتر عناصر وابسته به فتودالها و مرتجعین منطقه در سپاه پاسداران اقدامات بسیاری انجام داده‌اند و در هنگامی که رئیس جمهور در سالروز قیام، ارتش ضد خلقی را به رخ مردم می‌کشد و تمرکز طلبی سرکوبگرانه نیروهای مترقی را تبلیغ می‌کند و در شرایطی که باردیگر جاسوسان و دوستان امپریالیسم در شورای انقلاب و سایر نهادهای قدرت در پیشبرد سیاستهای خود با موفقیت نسبی روبرو گشته‌اند... آری درست در این شرایط است که جنگ تحمیلی در گنبد با تأیید آشکار و نهان تمامی جناحهای حاکم روبرو می‌شود و آنها در سرکوب کمونیستها و شوراهای دهقانی اتفاق نظر پیدا می‌کنند و دست در دست یکدیگر سرکوب و کشتار زحمتکشان و کمونیستها را سازمان می‌دهند. چنین است مضمون شرکت خرده بورژوازی حاکم همراه با جناحهای بورژوازی در جنگ تحمیلی به خلق ترکمن و سرکوب کمونیستها در این منطقه. و اما درباره تضاد بنیادی خرده بورژوازی با حاکمیت شورائی در ترکمن صحرا و اینکه کمونیستها چه شیوه‌ای را باید در این رابطه برگزینند، در همان آغاز تشکیل ستاد مرکزی شوراهای و صادره زمینها از طرف شوراهای دهقانی برخی افراد بر این اعتقاد بودند که تأکید بر شعار تشکیل شوراهای دهقانی در مبارزه طبقاتی دهقانان و پیاده کردن این شعار از آنجا که حاکمیت خرده بورژوازی را در منطقه تضعیف و نابود خواهد نمود، لذا تحمل نشده و شا با حاکمیت در ترکمن صحرا درگیر خواهید شد. و باید اشکال ملایم‌تر و قابل قبول‌تری را انتخاب نمائید. که به درگیری پیش‌ترس کشیده نشوید. زیرا حاکمیت موجود ظرفیت پذیرش شوراهای دهقانی را ندارد! این افراد این سخنان را در شرایطی مطرح می‌ساختند که گسترش مبارزه طبقاتی دهقانان مالکیت شورائی زمین در منطقه را با استقبال فراوان روبرو ساخته بود. ما اعتقاد داشتیم شوراهای دهقانی زائیده مبارزه طبقاتی تکامل یافته دهقانان ترکمن صحرا است و وظیفه کمونیستها این نیست که مبارزه طبقاتی کارگران و زحمتکشان را مهار کنند بلکه باید حرکت خود را در جهت اعتلای هرچه بیشتر آن بنا نمایند. بدین لحاظ تأکید بر ایجاد شوراهای دهقانی که به عالیترین

نحو حاکمیت زحمتکشان بر سرنوشت خود راناه مین می‌کند و مناسب‌ترین بستر گسترش مبارزه طبقاتی است. وظیفه حتمی ماست و باید در جهت غنای هرچه بیشتر محتوی این شوراها تلاش نمود. بگذار خرده بورژوازی حاکم که مدعی دفاع از حقوق مستضعفان است با شوراها بمبارزه برخیزد. بگذار جهت‌نابودی آنها با سیاه‌کارترین مرتجعین همگام شود. بگذار توده‌های زحمتکش در پراتیک طبقاتی دوستان و دشمنان خود را باز شناسند. بدون تردید این بهترین راه نابودی توهم توده‌هاست. کسانی که حکم انحلال شوراها را صادر می‌کردند در چهره حاکمیت کنونی تثبیت و تحکیم نوعی حاکمیت ملی را مشاهده می‌نمودند و ما ادامه بحران اقتصادی و سیاسی، ضعف خرده بورژوازی در سازمان دادن جامعه و تشدید مبارزه طبقاتی را مطرح می‌کردیم. در حالیکه پاسخ می‌دادیم اصولاً "طرح هرگونه تاکتیک تعرض و عقب‌نشینی جدا از تکیه استوار بر مبارزه طبقاتی زحمتکشان غیر قابل فهم است. کمونیستی که این مسئله را درک نکند سر از دنباله‌روی از خرده بورژوازی برون خواهد آورد و بدام همان اپورتونیسمی خواهد غلطید که خائنین به طبقه کارگر و در رأس آن حزب توده می‌بلخ آن است. کمونیستها در تاکتیک‌های خود، مصالحه و سازش موقت و مشروط را منظور خواهند نمود ولی هیچگاه نباید مصالحه با کسانی که هم‌اکنون و در آینده بیشتر در مقابل ما خواهند ایستاد یگونی‌های باشد که مبارزه طبقاتی زحمتکشان را مهار کند و جلوی شرکت آنها را در گسترش و اعتلای هرچه بیشتر این مبارزه سد نماید. ما مصالحه را تا آنجا خواهیم پذیرفت که در خدمت تعمیق هرچه بیشتر آگاهی زحمتکشان و مبارزه طبقاتی آنها قرار گیرد. اکنون در ترکمن صحرا سناد مرکزی شوراها در گنبد و دفاتر آن در شهرهای منطقه توسط ارتش ضد خلقی و پاسداران اشغال شده‌است. اکنون رهبران سناد شوراها ی خلق ترکمن مردانی که در قلب بزرگ زحمتکشان ترکمن جای گرفته‌اند، به ردیلانه‌ترین شکل اعدام شده‌اند و نیروهای سرکوبگر بدنبال بهانه‌اند تا تهاجم خود را تا قلب روستاها آنجا که شوراها سرشار از کینه طبقاتی دهقانان به زمینداران و سرمایه‌داران به حیات خود ادامه می‌دهند آغاز نمایند.

به نظر می‌رسد که هیئت حاکمه سیاست خود را بر این قرار داده که تعرض

به کمونیست‌ها را با یک رفرم ارضی در منطقه توام ننماید. شاید از این طریق بتواند پایگاه توده‌های آنها را تضعیف کند. همچنین آنها می‌کوشند با پذیرش اسمی شوراهای بتدریج آن را از محتوی اصلی تهی‌ساخته و نیروی رهبری‌کننده ستاد شوراهای را از توده‌ها جدا نمایند. اما اینکه آیا در پیشبرد این سیاست موفق خواهند شد یا خیر از نظر ما چنین موفقیتی برای آنها در ترکمن صحرا وجود ندارد. زیرا قبل از جنگ تحمیلی اکثریت غالب زمینها از جانب ستاد شوراهای صادره و در اختیار شوراهای روستائی قرار گرفته بود. و دهقانان با صادره انقلابی اسناد مالکیت زمینداران را لغو کرده بودند. در حالی که خرده بورژوازی تنها صحبت از تعدیل مالکیت میکند که صادره انقلابی ارضی زمینداران و یک سال مبارزه طبقاتی درخشان زحمتکشان ترکمن صحرا و پیوند استوار آنها با فدائیان خلق و کشتار اخیر مردم توسط حاکمیت عدم اعتماد و کسنگی آنها را با کل حاکمیت هرچه عمیق‌تر نموده است. و هرگاه این وضعیت را در مقابل دورنمای مبارزه گسترش یابنده طبقاتی و تشدید بحران قرار دهیم الزاما" به نتیجه فوق خواهیم رسید با همه اینها اگر احتمال کمترین موفقیت را نیز برای آنها قائل شویم و چند صباحی موفق گردند باز هم ستاد مرکزی شوراهای ترکمن و هیران شهید آن رفقای فدائی توماج، مختوم، واحدی و جرجانی و دهها شهید دیگر شوراهای، در قلب سرخ کارگران و زحمتکشان بهین زنده خواهند ماند. و ایده حاکمیت شورائی در مبارزه کارگران و دهقانان بخاطر ایجاد جامعه‌ای فارغ از استثمار مقام والائری خواهد یافت. همانگونه که مارکس در دهمین سالگرد کمون پاریس خطاب به طبقه کارگر اروپا می‌گفت:

" کمونی که به نظر قدرتهای جهان کهنه بطور کامل سحو و

ناپود شده هنوز زنده میماند و از هر زمان دیگر نیرومندتر

گردیده است و بدین جهت ما می‌توانیم با شما فریاد

بزنیم: زنده باد کمون!"

و امروز باید گفت:

"زنده باد شوراهای"

کومهله :

تبرستان

دفاع شابزده www.tabarestan.info

سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان (کومهله) در خطابه‌ایکه منتشر نموده ، کوشیده است مسائل طرح شده در اعلامیه مورخه ۵۸/۱۱/۱۱ دفتر سندج درباره خلع سلاح سپاه رزگاری را پاسخ گوید . از آنجا که این نوشته به‌مسائل طرح شده در اعلامیه فوق پاسخ نمیدهد و سراسر آن را دفاع شتاب زده پوشانده و درعین حال کوشیده است از کانال توجیه شیوه برخورد خود ، ما را نیز مورد حمله قرار دهد به‌ناگزیری آنکه خواسته باشیم به نقد جامع نوشته فوق بنشینیم تنها به نکاتی چند در این مورد اشاره می‌کنیم :

۱- خطابه مدعی است که ما در اعلامیه ۱۱/۱۱ خود با کومهله برخورد غیررفیقانه داشته ، اصول و منافع جنبش انقلابی را نادیده گرفته و آنها را مورد تهمت‌های ناروا قرار داده‌ایم .

۲- رفقای کومهله می‌گویند شرایط سیاسی و نظامی و افکار عمومی ، این اجازه را به آنها نمیداده که از قبل مبارزه قاطعانه و افشاگرانه‌ای را در قبال سپاه رزگاری آغاز کنند .

۳- رفقا گفته‌اند از آنجا که خلع سلاح رزگاری را یک مبارزه طبقاتی میدانند ، بنابراین هیئت نمایندگی خلق کرد نمی‌تواند در اینگونه موارد طرف مناسبی باشد و اینکه ما خواستهایم مبارزه طبقاتی را در چهارچوب هیئت نمایندگی خلق کرد محدود کنیم .

۴- خطابه میگوید که ما با حمله به کومهله و ایجاد ابهام در مورد عمل انقلابی اش، ماهیت جنگ افروزان واقعی را پنهان کرده ایم.

۵- مامضم شده ایم به اینکه نیروهای را که از روی ترس، ناچاری و ناآگاهی به رژیم بعث عراق پناه می برند با سپاه رزگاری که سران آن وابسته به بعث و امپریالیسم می باشند، یکی دانسته و میان آنها تمایز قائل نشده ایم.

۶- و سرانجام پس از طرح مسائل فوق رفقای کومهله حکم قطعی خود را صادر کرده و میگویند که: ما از ایجاد صف مستقل انقلابی دست کشیده و از بورژوازی و خرده بورژوازی دنباله روی می کنیم و بدام دروغ پردازیهای حزب توده افتاده و در مقابل تمایلات سازشکارانه سرفرود آورده ایم. و مرزبندی میان سازمان چریکهای فدائی خلق و کومهله را بدین گونه مشخص می نمایند که اولی بدامن انحرافات فوق الذکر غلطیده و دومی به مبارزه اصولی و پیگیر با این انحرافات برخاسته و عاقبت بیان این مضمون که کومهله، محور پیگیری و قاطعیت انقلابی در کردستان است و "سازش و دنباله روی در کردستان از مسیر مخالفت با سازمان زحمتکشان میگذرد..."

و اما "رفقا! این دعاوی شما پشت کوه را نیز شکسته است! ما هنگامیکه آنها را پیش روی خود میگذاریم نمی توانیم از این همه انحراف که شما در جزوه ۲۶ صفحه ای خود به کشف آن نائل شده اید، در شگفت نباشیم. و اینکه کومهله بر اساس کدام پرانتیک مبارزاتی و پیوند طبقاتی با مبارزه کارگران و زحمتکشان، این چنین اصول انقلابی مارکسیسم - لنینیسم را آموخته که ما فرومانده در مثنی خرده بورژوازی خود، از درک آن ناتوانیم!

ما از رفقای کومهله میپرسیم:

۱- منظور شما از وفاداری به اصول و منافع جنبش انقلابی چیست و برخوردار رفیقانه چگونه برخوردار است؟

رفقا! بنظر میرسد که اختلاف تنها بر سر میزان وفاداری هریک از ما نسبت به اصول نیست بلکه فراتر از آن بر سر فهم و درک ما از اصول است. ما بنوبه خود تا بحال این مفاهیم را اینگونه فهمیده ایم که وفاداری به اصول و منافع جنبش

انقلابی حکم می‌کند که کمونیستها همواره منافع پرولتاریا و سایر زحمتکشان را محور و مبنای هرگونه اتخاذ تاکتیک در قبال سایر اقشار و طبقات قرار دهند. حفظ این منافع حکم می‌کند که آنها از طرفی با اتخاذ تاکتیکهای مشخص هرچه فعالتر در مبارزه طبقاتی موجود جهت اعمال بخشیدن بدان شرکت نمایند. و از جانب دیگر همواره برکشیدن خط فاصل میان خود و سایر نیروهای ناپیکر و سازشکار تکیه ورزند. و مصمانه با هرگونه انحرافی که در پی نقض این اصول باشد و به مبارزه برخیزند. بدین لحاظ هنگامیکه در مقابل شیوه عمل کومه‌له در برخورد با نزدیک‌ترین متحد خود - آنگونه که خوب می‌گویند - قرار گرفتیم مشاهده نمودیم که کومه‌له به‌محتوی رابطه مورد ادعای خود وفادار نمانده‌است. و ما را بدون هیچگونه توضیح قبلی، در مقابل عمل انجام شده‌ای قرار دادند که عواقب و عملکردهای آتی آن بدون تردید تنها شامل حال آنها نخواهد شد، کما اینکه هم‌اکنون شاهد آن هستیم که تداوم موجودیت رزگاری در منطقه، الزاماً پای ما را هم بمیدان کشیده‌است زیرا ما وظیفه خود میدانیم که در مقابل اعمال توطئه‌گرانه آنها، بدفاع از نیروهای مترقی برخیزیم. و درست در همین جا است که رفقا از توافق قبلی جهت بحث برسر مسائل مورد اختلاف صحبت می‌کنند. توافقی که به آشکارترین نحو از جانب کومه‌له نقض شده‌است. و شما آن را با برخوردی تجریدی با مبارزه ایدئولوژیک می‌پوشانید. ما با تکیه بر جمله خود رفقا که می‌گویند: "ما از قبل با شما توافق کرده بودیم که برسر مسائل مورد اختلاف که نتوانیم آنها را در بحثهایمان حل کنیم به مبارزه ایدئولوژیک اصولی دست بزنیم" می‌گوئیم چرا ما نمی‌توانیم مثلا با حزب دموکرات وارد چنین رابطهای شویم. زیرا مبارزه ایدئولوژیک وجهی دیگر از مبارزه طبقاتی است که بخاطر مبارزه با انحرافات درون جنبش کمونیستی و دست یافتن به وحدت و دیدگاههای مشترک صورت می‌گیرد. بدین لحاظ نمی‌توانیم با پدیده‌ای که در درون جنبش کمونیستی قرار ندارد در حوزه مبارزه ایدئولوژیک برخورد کنیم. با چنین نیروهایی تنها میتوان در حوزه سیاست برخورد کرد و در صورت توافق و همسوئی روی مضامین مشخص، فقط از نظر تاکتیکی میتوان با آنها همگام بود، آنهم در

حدودیکه با اصول بنیادی ما در تضاد نباشد. پس چگونه است که رفقا این توافق را به حرکت مشخص پیوند نمیدهند و فکر می کنند که مبارزه ایدئولوژیک چیزی است جدا از یراتیک مبارزه طبقاتی.

رفقا! شما خود میدانید که مبارزه موجود در کردستان یک مبارزه صرفاً روشنفکرانه نیست و نیروهای سیاسی فعال در منطقه هریک در سطحی با توده های خلق کرد پیوند دارند. بدین دلیل هر بحث ایدئولوژیک میان ما و شما با مسائل موجود در منطقه و الزاماً با کل جنبش و با عمل مشخص پیوند خورده است. بدین دلیل اگر واقعا "خواستار یک مبارزه ایدئولوژیک سالم هستید باید درک کنید که توافق مشترک روی عمل مشخص بیش از هر بحث آکادمیک به وحدت نیروها که قطعاً به نفع جنبش انقلابی است کمک خواهد نمود و در صورت عدم توافق هر نیرو با حفظ استقلال خود می تواند به مبارزه ادامه دهد. بدون تردید درستی و اشتباه تاکتیکی های آنها در جریان مبارزه طبقاتی درون جامعه روشن خواهد شد ولی شما با زیرپانهادن مضمون سخن خود ما را متهم به برخورد غیررفیقانه و... نموده اید. آیا این است مضمون وفاداری به اصول و حفظ چنین انقلابی که برخورد خود محوریتان شما آن را القا می نماید. بدون شک ما با این مضمون هیچگاه سازش نخواهیم کرد.

دوم اینکه چگونه افکار عمومی ای که شما مدعی آن هستید با شور تمام از عمل شما در خلع سلاح یک نیروی مرجع پشتیبانی نموده، اجازه افشاگری در مورد مداخله نقشبندی و دار و دستفاش را نداد. و هم چنین منظور شما از شرایط سیاسی و نظامی چیست؟

شما در مقابل این سؤال که چرا موضع خود را در مقابل این سپاه مزدوران برای مردم روشن نساخته و استقرار آنها را با سکوت برگزار نمودید پاسخ میدهید که "... به هیچ وجه نه ما در وضعی بودیم که بتوانیم یک مبارزه فاطعانه بر علیه آنها بعمل آوریم و نه شرایط سیاسی و نظامی و افکار عمومی اجازه چنین کاری را بما میداد" و توضیح میدهید که به نیرویی که برنا آگاهی بخشی از توده های زحمتکش نکهه دارد نمی توانیم قبل از موقع اعلام جنگ نمائیم. سپس حکم متناقض خود را

صاد نموده و می‌گوئید دادن چند اعلامیه تند و تیز و وارد آوردن یکی دوضربه پراکنده... آنها را هشیارتر می‌نمود. در این جا کدام استدلال شمارا باید مهتی قرار داد. عدم آمادگی، اوضاع سیاسی و نظامی و افکار عمومی را یا اینکه در صورت افشاگری و اعلام موضع صریح آنها هشیارتر شده و خود را جمع و جور خواهند کرد. و ما در این باره شیوه برخورد شما می‌گوئیم: شما با چنین بیانی به بدترین شکل تاکتیک انقلابی را مثله می‌کنید و رابطه پیوند آن را با مبارزه توده‌ها قطع می‌نمائید.

ما اعتقاد داریم با توجه به موقعیت حساس منطقه و آمادگی خلق کرد برای دفاع از حقوق دموکراتیک خود، در مقابل نیروهای سرکوبگر و با توجه به اینکه این آمادگی تا سطح یک جنبش مسلحانه فراگیر ارتقاء یافته است، ولی از آن جا که هنوز مبارزه ملی زحمتکشان کردستان با مبارزه طبقاتی عمیقاً پیوند نیافته و هنوز طبقه کارگر در این جنبش نقش تاریخی خود را ایفا نکرده است، که راه را بر هر نوع سازشکاری و انحراف سد نماید، حتی نیروهای نظیر سپاه رزگاری تا حدودی می‌توانند با استفاده از ناآگاهی بخشهایی از زحمتکشان زیر پوشش دفاع از حقوق ملی خلق کرد، آنها را بزیر پرچم خود گرد آورند. در این صورت وظیفه نیروهای انقلابی چیست؟ آیا باید در مقابل اعمال ضد خلقی آنها سکوت کرد و توده‌های ناآگاه را نسبت به ماهیت آنها همچنان در توهم نگاهداشت. بدین عنوان که در تدارک خلع سلاح آنها بودیم. در این صورت مادام که آنها خلع سلاح نشده‌اند، ما چه وظیفه‌ای بعنوان یک نیروی پیشرو در مقابل توده‌هایی که نسبت به ماهیت آنها آگاهی ندارند، بعهده گرفته‌ایم؟ مگر نه اینکه افشای ماهیت یک جریان ارتجاعی وسیع توده‌ها علیه آن، خود بخشی از تاکتیک تدارکاتی و حتی عمده‌ترین بخش تاکتیک ما جهت نابودی نهایی آن است.

آیا ما می‌توانیم تحت این عنوان که تعادل سیاسی و نظامی هم اکنون به نفع مانیت و بسیاری از توده‌ها ناآگاهانه می‌اندیشند حاکمیت موجود منافع آنها را تأمین خواهد کرد، بگوئیم تا هنگامیکه لحظه عمل قاطع و انقلابی! فرا نرسیده عملی که یک سازمان در تدارک آن است، نباید ماهیت نیروهای وابسته به

امپریالیسم و سازشکاری و ناپیگیری خرده‌بورژوازی را برای توده‌ها افشا نمود زیرا آنها قبل از اقدام قاطع ما خواهند فهمید که ماقصد سرنگونی آنها را داریم. راستی رفقا! شما که خود را در زمره مخالفان بسیار جدی مشی مسلحانه جدا از توده میدانید، چگونه مقوله تعادل سیاسی و نظامی را جدا از خود توده‌ها و آمادگی و عدم آمادگی ذهنی آنها اینگونه سکناریستی تعریف می‌کنید؟ مگر نه این است که رمز قوت رژگاری در چند ماه پیش که تنها تعادل را به نفع نیروهای انقلابی تشخیص نمیدادید بیش از هر چیز همین بود که بر ناآگاهی بخشی از مردم در کردستان جنوبی تکیه داشت. پس چه معجزه‌ای رخ داد که در عرض تنها کمتر از سه ماه توده‌های زیرنفوذ این شیخ - فتووال‌های مرجع ناپهنواربه این حد از بلوغ دست یافتند؟ شما که به‌گفته‌ترین افشاگری در این مورد دست زده بودید تا یادور کردن توده‌های فریب‌خورده (عمدتاً "درمربوان و اورامانات) زیرپای این مرتجعین را خالی نمائید، چگونه مدعی بهم خوردن تعادل به نفع خود هستید؟ تنها میماند که با دست زدن به یک سری فلسفه‌بافی که منظور از شرایط سیاسی و نظامی در این جا عمدتاً "شرایط سیاسی و نظامی کردستان و ایران است خود را نجات دهید که البته شما حتماً این شیوه را که چیزی جز سفسطه و توجیه‌گری نیست انتخاب نخواهید کرد و یا اینکه بپذیرید که شرایط جنگی کردستان شما را تا حد چریکهای آمریکای لاتینی تنزل داده است.

و مگر میتوان با این استدلال وظیفه پیشرو بودن خود را در قبال توده‌ها به فراموشی سپرد. و مگر هم‌اکنون تبلیغ و ترویج افشاگرانه، ما بیشترین کینه و دشمنی حاکمیت را نسبت به ما برنیا نگیخته تا جائیکه با تمام نیرو علیه ما دست به توطئه‌گری زده‌اند. ولی ما در مقابله با آنها به ادامه هر چه پیگیرتر افشاگری و نابودی توهم توده‌ها و نتیجتاً " بسیج آنها متکی هستیم. زیرا هیچ مبارزه‌ای را بدون شرکت وسیع توده‌ها نمی‌توان به پیروزی رسانید. و شما با حذف توده‌ها تا زمان عمل قاطع و انقلابی! به شیوه‌های توطئه‌گرانه در مبارزه روی آورده‌اید. و در عمل تئوری تبلیغ مسلحانه را اجرا کرده‌اید. تئوری غیرمارکسیستی‌ای که می‌گوید بدون عمل نظامی نمی‌توان دست به افشاگری و تبلیغ زد. شما یکبار

نظر همواره خود را طرفدار مشی توده‌ای و مخالف مشی چریکی دانستهاید. و امروز که هسته مرکزی سپاه رزگاری همچنان سالم باقی مانده و آنها تعرض علیه نیروهای مترقی را آغاز کرده‌اند، خود احساس می‌کنید که همزمان با مبارزه نظامی علیه آنها، باید هرچه بیشتر توده‌ها را در شهرها و روستاها علیه آنها بسیج نمود، زیرا موفقیت نهائی تاکتیک‌های نظامی همواره در گروه بسیج توده است. زیرا تنها از طریق آگاهی دادن به توده‌هاست که میتوان زمینه رشد این نیروهای مترجع را در منطقه نابود کرد. توده‌های ناآگاهی‌را که شما خلع سلاح کرده‌اید، مادامکه ناآگاه باقی بمانند و ایمان تعصب‌آمیز خود را بشیوخ مترجع حفظ کنند، بار دیگر از جانب آنها و هر مترجع دیگر مسلح خواهند شد.

وبالاخره با یادآوری این نکته که با حفظ هسته اصلی رهبری رزگاری و باور کور توده‌های تحت نفوذ شیوخ طایفه نقشبندیه به این فتوئدالها و فتوئدال زادگان عملاً نه سردارها از بین رفت‌اند نه سربازها، آنها تعدادی سلاح از دست داده‌اند که به برکت بازبودن دروازه‌های حکومت بعثی عراق از این نظر تا دلتان بخواهد تا مین می‌شوند ولی بقول خودتان بمراتب هشیارتر شده‌اند، و توطئه علیه نیروهای مترقی را آغاز کرده‌اند. رفقای کومه‌له! راستی چرا قیاده موقت با آن نیروی قابل ملاحظه و حمایتی که از جانب پاره‌ای از عناصر هیئت حاکمه میشدند در جموع نتوانستند وظیفه ضد خلقی خود را بعد از قیام انجام دهند؟ مگر نه این بود که از پایگاه توده‌های ضعیفی برخوردار بوده و این پایگاه ضعیف را نیز شما و ما مجدداً از طریق برخورد افشاگرانه فعال تقریباً "به صفر رساندیم". رفقا با صداقتی که از یک انقلابی انتظار داریم معتقدیم پس از اندکی نامل باید منصفانه به قضاوت بنشینید. ثالثاً: چگونه از گفته ما باین نتیجه می‌رسید که ما با طرح هیئت نمایندگی خلق کرد خواست‌هایم، جلو مبارزه طبقاتی مورد ادعای شما را بگیریم و آن را در مجراهای سازشکارانه ببندازیم؟

برای روشن شدن مسئله لازم است دیدگاه خود را نسبت به وظایف هیئت نمایندگی خلق کرد، در این مرحله تاریخی از مبارزه خلقمان بیان کنیم.

هیئت نمایندگی خلق کرد بیانگر اتحاد تاریخی نیروهای ملی و انقلابی در

این مرحله از مبارزه دموکراتیک خلق کرد میباشد، که براساس ضرورت عینی آغاز مذاکره نیروهای ملی و انقلابی سهم در جنبش مقاومت خلق کرد با هیئت حاکمه که قطع جنگ را پیشنهاد میکرد دو مدعی برقراری صلح بود تشکیل یافت و در ادامه کار خود براساس پذیرش برنامه مشترک، طرح ۲۶ ماده‌ای برای ایجاد کردستان خودمختار تکامل یافت. و وظیفه آن مبارزه در چهارچوب این برنامه جهت کسب حق خودمختاری خلق کرد است. هیئت نمایندگی خلق کرد در معنای محدود کلمه، جبهه‌ایست که مانند هر جبهه‌ای براساس وحدت و تضاد شکل گرفته‌است. شرکت در آن به معنای پذیرش رهبری هیچ یک از نیروهای درونی آن نیست، آنها در حرکت سیاسی و تشکیلاتی خود، براساس مواضع ایدئولوژیکی‌شان آزادند. ولی همواره میان حرکات آنها و ضرورت‌هایی که موجب تشکیل این اتحاد گردیده رابطه‌ای تنگاتنگ وجود دارد. مثلا "اگر در حال حاضر هیئت نمایندگی خلق کرد براساس این تحلیل که گرفتن پاره‌ای خواستها از راه مذاکره امکان‌پذیر است به مذاکره با نمایندگان هیئت حاکمه نرفته است. دیگر اعضای آن نمی‌توانند در خارج از هیئت نمایندگی به اقداماتی دست‌بزنند که مذاکرات صلح را سد نماید و یا بهانه بدست جنگ‌افروزان بدهد و یا در شرایطی که هیئت نمایندگی خلق کرد در مجموع به این نتیجه برسد که تاکتیک عمده را برافشاکری توطئه‌های جنگ‌افروزان قرار دهد تا از این طریق با آماده نگهداشتن توده‌های مردم جهت دفاعی قاطع توطئه‌های دشمن را خنثی نماید. یکی از اعضای آن نمی‌تواند به این بهانه که نباید توطئه‌گران را تحریک نمود، از جبهه افشاکری در عمل کناره جوید. پذیرش این مسئله الزاما "در مقاطعی پاره‌ای محدودیت‌های تاکتیکی را برای ما ایجاد خواهد نمود. ولی در آن شرایط مشخص پیشبرد مبارزه‌ای که بدون تردید طولانی است، پذیرش آن را ضروری می‌نماید. زیرا تاکتیک عقب‌نشینی و تعرض، جزء لاینفک مبارزه است". وظیفه یک حزب واقعا "انقلابی، این نیست که اعلام کند چشم‌پوشی از تمام سازشها غیر ممکن است بلکه اینست که بتواند در طی تمام سازشها، موقعی که سازش اجتناب‌ناپذیر است، به اصول خود به طبقه‌اش به هدف انقلابیش، به وظیفه‌اش

برای صاف کردن راه برای انقلاب و آموزش توده مردم برای پیروزی در انقلاب ،
صادق بماند . *

کشیدن خط فاصل میان سازشکاری و فاطمیت انقلابی آن نیست ، که با
بهانه قراردادن سازشکاری حزب دموکرات بی آنکه مشخص کنیم که این حزب در
کدام حوزه دست به سازش میزند ، در عرصه مبارزه طبقاتی که به نظر ما در این
مورد مطلقاً سازشکار است یا در عرصه مبارزه ملی ، تا آن حدودی که در
چهارچوب بورژوازی بگنجد گاه سازشکار و گاه رادیکال عمل می نماید ، مرز میان
وحدت و تضاد ، در درون هیئت نمایندگی خلق کرد را کودگانه در هم بریزیم ،
شیوه‌ای که شما برای مبارزه با سازشکاری اتخاذ می کنید در بسیاری موارد به
تقویت این جریان‌ها منجر می شود . ما اعتقاد داریم که طرح مسائل عمومی جنبش
در هیئت نمایندگی خلق کرد الزاماً بمعنای توافق و عمل مشترک کلمه نیروهای
هیئت نمایندگی نیست ، مثال زنده آن وقایع دروازه مهاباد . . . است . زیرا
موضع ما و شما در آن جا این بود که حزب دموکرات نباید بدون در جریان قرار
دادن سایر نیروها و هماهنگی با آنها به ستون ارتشی اجازه ورود به شهر را بدهد
و مطرح ساختیم که اینگونه مسائل باید در هیئت نمایندگی طرح شود . و همزمان
با ادامه مذاکره هیئت نمایندگی که به علت اختلاف نظرهای موجود در آن
ساعتها بطول کشید . مشترکاً و در حالیکه مورد پشتیبانی مردم مهاباد قرار
داشتیم ، مانع ورود ستون ارتشی شدیم و سرانجام تضادهای موجود در هیئت
نمایندگی خلق کرد در زمینه اراده یک راه حل مبتنی بر هماهنگی نیروها در
مورد چگونگی ورود و خروج ستونهای اعزامی ارتش به شهر زیر فشار مردم مسئله
بگونه‌ای حل شده که ما و شما از پیش مدافع آن بودیم .

. . . ما مسئله سپاه رزگاری و ضرورت طرح آن در هیئت نمایندگی خلق کرد
رانیز دقیقاً در این ارتباط طرح کرده ایم هرگاه حزب دموکرات در هیئت
نمایندگی احتمالاً به مخالفت با این طرح بر می خاست بدون شک آن نیروهائی
که روی آن توافق داشتند می توانستند با تحلیل مشخصی از موقعیت عمومی جنبش
فاطمانه بدان اقدام نمایند . حتی اگر چنین احتمالی را می دادیم در آن صورت

* لنین - درباره تاکتیکها

می‌توانستیم از پیش اقدامات لازم را جهت خنثی کردن خطرات احتمالی این مخالفت محتمل تدارک ببینیم و با این خطرات را به حداقل برسانیم. این مسئله بیش از هر تاکتیک دیگر آن نیروهایی را که به مخالفت با این عمل انقلابی بر می‌خاستند را نزد توده‌ها افشاء می‌نمود. در آن صورت این نیروی مخالف باید برای مردم توضیح می‌داد که چرا با خلق سلاح آنها مخالف است و یا در این عمل از خود قاطعیت نشان نمی‌دهد. اینگونه برخورد هم مواضع مترقی در هیئت نمایندگی خلق کرد را تقویت نموده و به بهترین نحو جریان مخالف را به توده‌ها نشان خواهد داد. و همچنین شوکت و وسیع توده‌ها را در تاکتیک‌های ما تضمین می‌نماید.

ما قبلاً" گفته‌ایم تا هنگامی که شرکت در هیئت نمایندگی خلق کرد اصول انقلابی‌مان را خدشه‌دار نسازد در آن خواهیم ماند و تلاش خواهیم کرد. سیاست‌های آن را جهت دفاع هرچه بیگربتر از منافع زحمتکشان خلق کرد و مصالح طبقه کارگر و همه زحمتکشان ایران سمت دهیم. ولی شما با اینگونه اعمال خود نه تنها چنین کاری نمی‌کنید بلکه منافع لحظه‌ای و آبی خود را بر مصالح آبی جنبش ترجیح می‌دهید. و در عین حال فراموش نمی‌کنید که به ما یادآور شوید که براساس مدارک و شواهد و آنچه خود در نشریه کار گفته‌اید حزب دموکرات معتقد به سازش طبقاتی است و نمی‌توان بدان اعتماد نمود. ما در کجای نوشته‌مان ضرورت دخالت هیئت نمایندگی خلق کرد در مسایل عمومی را مساوی با انجام مبارزه طبقاتی در چهارچوب این هیئت دانستیم که با خوشحالی کودکان‌های فکر می‌کنید به کشف مهمی نایل شده‌اید.

هم‌اکنون هیئت نمایندگی خلق کرد در سطح کشور و در جنبش خلق کرد از حیثیت و اعتبار بزرگی برخوردار گردیده است و توده عمیقاً "خواستار حفظ وحدت آن و تحقق آرمان خودمختاری در چهارچوب این اتحاد می‌باشند. بدین دلیل در نظر نگرفتن ذهنیت توده‌ها نسبت بدین هیئت و اتخاذ تاکتیک‌های درست در قبال آن بگونه‌ای که توده‌ها درک کنند، ما تا آن جا از این هیئت دفاع خواهیم کرد که حافظ منافع آنها باشد، از اهمیت بسیار بزرگی برخوردار است.

در حالیکه نمایندگان بورژوازی خودی تلاش می‌کنند همین سیاست را در جهت عکس آن اعمال نمایند و هرچه بیشتر هیئت نمایندگی را از محتوی مترقی آن تهی سازند. و در عین حال شما را محکوم کنند که با سیاستهای نگروانه خود در جهت نابودی هیئت نمایندگی خلق کرد می‌کوشید. حال آنکه خود آنان بیشتر از هر نیروی دیگر با تکروری‌های خود در جهت تضعیف هیئت نمایندگی عمل می‌کنند. اینها مسائلی است که ضرورت توجه بیشتر به هیئت نمایندگی را بمتابه یکی از کانالهای پیوند با توده‌ها الزام آور می‌تواند. و هیچ تضاد بنیادی نیز با شرکت در مبارزه طبقاتی کارگران، دهقانان و با مبارزه با مرتجعین محلی ندارد.

چهارم: شما با چه انگیزه‌ای مدعی شده‌اید که اعلامیه ما جنگ‌افروزان را در بهانه‌جویی ذیحق دانسته‌است؟

آیا شما نخواسته‌اید بدین ترتیب ذهن مردم را از محتوی اصلی آنچه ما گفته‌ایم منحرف نمائید؟ رفقا در این‌جا فراموش می‌کنند که اساساً انگیزه اصلی ما از نوشتن اعلامیه ۱۱/۱۱ چه بوده‌است بدین خاطر بار دیگر تذکر می‌دهیم که مسئله اصلی ما طرح سئوالهای مشخصی بود دربارهٔ شیوه برخورد کومه‌له با نیروهای مترجع و نزدیک‌ترین متحدینش در هیئت نمایندگی خلق کرد و اینکه عمل کومه‌له بگونه‌ایست که نه تنها مبارزه‌ای اصولی علیه این عناصر را پیش نمی‌برد بلکه کومه‌له با برخورد خود محوربینانه‌اش به وحدت نیروها و مصالح جنبش زیر پوشش مبارزه طبقاتی آسیب می‌رساند.

ما تا بحال فکر کردیم که ماهیت جنگ‌افروزان واقعی را بیش از هر نیروی دیگر برای توده‌ها بازگو کرده‌ایم ما با استفاده از تمام امکانات تبلیغاتی سازمان در سراسر ایران تهاجم ارتش و پاسداران و سایر جنگ‌افروزان را محکوم و به دفاع از آرمان عادلانه خلق کرد برخاسته‌ایم. ما همواره بر شعار ارتش ضد خلقی بمتابه عامل اصلی سرکوب تا کید کرده‌ایم و نقش پاسداران شورای انقلاب و سایر عوامل درون حاکمیت و بیرون از آن را برای توده‌ها روشن ساخته‌ایم. . . . ما براساس تحلیل خود از حاکمیت بیش از هر نیروی دیگر دربارهٔ جنگ‌افروزان

سخن گفته‌ایم . و درآینده نیز این شیوه را ادامه خواهیم داد .

ولی " کومه‌له " که نا بحال جز تمجید از نیروهایی که درکردستان وی را اسیر کرده‌اند و همواره با حمله به سازمان فدائیان موجودیت محتر خود را حفظ می‌کنند نشنیده و هنگامی که برای اولین بار با این برسها روبرو می‌شود ، یکباره همه این واقعیات را فراموش کرده ادعا می‌کند که ما جنگ افروزان را در بهانه جوئی‌شان ذیحق دانسته‌ایم . تا جائی که ما را با قاضیان جامعه سرمایه‌داری مقایسه و همصدا با ملیونرها معرفی کرده‌اند! ولی ما رفقا هیچگاه با شما چنین سخن نخواهیم گفت ، زیرا چنین سخوهای بیش از آنکه به‌شکافتن محتوی بحث کمک کند و اصولیت مبارزه ایدئولوژیک را تضمین نماید ، با بفراف انداختن هیاهو و جنجال و اتهام‌زدن می‌کوشد بقیه خود را از دست‌واقعیات سرخست خلاص نماید .

علیرغم همه اتهامات هر روز بیشتر از قبل زندانهای جمهوری اسلامی از فدائیان خلق پر می‌شود و هر روز تعداد بیشتری از رفقای ما توسط مزدوران سرمایه‌داری شهید می‌شوند و آنها هر روز وحشیانه‌تر ما را مورد حملات کینه توزانه و سرکوبگرانه خود قرار می‌دهند . رفقا چشمهای خود را باز کنید تا ببینید که چگونه ملیونرها از قاضیان جامعه سرمایه‌داری می‌خواهند که بی‌وقفه احکام سرکوب و حکم اعدام برای ما صادر کنند و آنان چگونه با طیب خاطر به اربابان لیبیک می‌گویند . وقتی که چنین اتهامی را به ما می‌زدید دچار احساسات آنچنانی نبودید؟!

پنجم : چرا رفقای کومه‌له حاضر نیستند از رابطه شیخ جلال با حکومت بعث عراق بطور مشخص انتقاد نمایند و اسلحه گرفتن وی را محکوم کنند و در نوشته خود کوشیده‌اند تحت این‌عنوان که شیخ جلال با سپاه زرگاری فرق دارد و اینکه وی در زمان شاه مبارزه کرده و یادآوری برخورد حزب دموکرات در کمیته هماهنگی ، تلاش در تیرئه وی می‌نمایند؟ رفقای کومه‌له ضمن مقایسه شیخ جلال با سران زرگاری جنبه‌های مثبت شخصیت او را به رخ ماکشیده و روی مواضع ارتجاعی وی سربوش می‌گذارند . و با این‌کار بار دیگر نائید ضمنی خود را از

ایشان بطور ساده لوحانهای عنوان می‌کنند رفقا! استدلال شما در این مورد که شیخ جلال در گذشته همواره در جهت حرکت مردم بوده و در نتیجه در قضاوتها نیایستی به دام دروغ‌پردازیه‌ها و تبلیغات حزب نوده بیفتیم... شما را به سطح اومانستی تنزل می‌دهد که نه تنها نمی‌خواهد در پس عملکردها، تمایلات و نظرات مشخص وی منافع گروهی و قشری خاص را ببیند بلکه عملاً "بعلت داشتن رابطه نزدیک با وی شما را به ایده‌آلیستی بدل می‌کند که ذات بشری وی را بمثابة و همانند یک ذات منافذیکی تجزیه و تحلیل می‌کنید، در نتیجه تا آنجا پیش می‌روید که می‌خواهید تنها بعلت نکات مثبت فردی ایشان در گذشته، او را تا سر حد یک انقلابی، بالا بیاورید. اما ذات بشری هر چند معجونی جالب باشد جز جدایی ناپذیر در هر یک از افراد بشری نیست. بمعبارت دیگر ذات بشر در هر فرد با وجود او سرشته نشده‌است. بلکه واقعیت قضیه این است که ذات بشر نماینده و متأثر از جمیع مناسبات اجتماعی است. و اینکه تعلق داشتن به یک طبقه به ویژه شرکت در کشمکشهای طبقاتی و همچنین اثرات روانی طبقه و غیره مسائلی هستند که سرانجام ذات اجتماعی فرد، نقطه نظرها و نظریات و جهت‌گیری او را تعیین می‌کند.

رفقا، اگر ما یاد نگیریم که در پس هر جمله‌ای اشخاص تمایلات گروهی و قشری آنها را ببینیم! اگر یاد نگیریم در پس هر حرکت آنها یک سری خصیلت‌های طبقاتی مشخص را ببینیم که شخصی را ناگزیر از این حرکت می‌کند. مسلماً نمی‌توانیم یک مارکسیست باشیم.

شما در مقابل این سؤال که چرا گرفتن اسلحه از عراق توسط شیخ جلال را محکوم نمی‌کنید. ما را متهم به افتادن به دام دروغ‌پردازیه‌های حزب توده می‌نمائید. و تلاش دارید با استفاده از پی حیثیتی و مواضع ارتجاعی حزب توده در مقابل جنبش مقاومت و برشمردن مبارزات خود علیه نوطنه‌های حزب بعث در منطقه وی را تبرئه کنید. و حتی تا آن جا پیش می‌روید که عقب مانده - ترین تمایلات مردم را پشتوانه استدلال خود می‌کنید و می‌گوئید مردم درمربوان خواستار باز پس دادن سلاحهایی بودند که شیخ جلال از عراق آورده بود. رفقا

به عنوان نیروئی که مدعی مارکسیسم است می‌دانید چه می‌گوئید؟ اگر هم
 بپذیریم که مردم ادعائی شما در مریوان واقعا خود مردم باشند. اگر چه اعتقاد
 داریم در این مورد خاص اولاً "بخشی از مردم بوده و نه اکثریت آن، ثانیاً"
 همان بخش نیز کاملاً "سمت داده شده از سوی نیروهائی که منافع و مصالحشان
 به خطر افتاده بود در اینصورت چگونه یقه خود را از این تناقض‌رها کنیم که در
 جائی گفته می‌شود که مردم مریوان شیخ جلال و حرکتش را تأیید می‌کنند پس
 نباید کار شیخ جلال را محکوم کرد ولی در اورامانات که رزگاری مورد تأیید
 توده‌های ناآگاه است باید به حمله نظامی دست زد؟ رفقای کومه‌له! فکر نمی‌کنید
 که به عمل‌گرایی شدیدی در غلطیده‌اید بهمین دلیل هم خود را مجبور می‌بینید
 که اول عمل کنید سپس به تبیین تئوریکي آن بپردازید؟ این انحرافات خطرناکی
 است هشیار باشید! اما حتی فرض کنیم که شما اشتباه نمی‌کنید و مردم مریوان
 واقعا "خواهان چنین چیزی بودند (البته ما قبلاً" از مردم مریوان جدا بپوش
 می‌ظلمیم که چنین فرض کرده‌ایم) این مسئله چه چیزی را ثابت می‌کند، اینکه
 هر نیرو و فردی مجاز است از اعتماد و ناآگاهی توده‌ها سوءاستفاده کرده و
 دست به چنین اعمالی بزند؟ پس از خلع سلاح بخشی از رزگاری خود شاهد
 بودید که بسیاری از مردم ناآگاه طرفدار نقشبندی برای پس گرفتن سلاحهای
 رزگاری به دفتر شما مراجعه کردند و حتی دست به تحمض زدند. آیا از این
 مسئله که تعدادی از مردم ناآگاهانه از این نیروی ضد خلقی پشتیبانی می‌کنند،
 می‌توان آن را تبرئه کرد؟ و منظور شما از اینکه گفته‌اید توده‌ها از حرکت ما دایر
 بر محکوم ساختن شیخ جلال پشتیبانی نکردند چیست؟ مسلماً ما هم میان شیخ
 جلال و سپاه رزگاری تفاوت فائلیم چیزی که شما بارها چه در جلسات رسمی و چه
 در نشست‌ها و برخوردهای غیررسمی از زبان ما شنیده‌اید که ارزیابی ما از شیخ
 جلال چیست. آری ما نیز بین شیخ جلال و سپاه رزگاری تفاوتی قائل هستیم
 ولی این تفاوت گذاشتن هیچگاه ما را آنقدر دچار ساده‌لوحی نخواهد کرد که بر
 رابطه او با رژیم ضد خلقی عراق سربوش بگذاریم. ما خود را ملزم می‌دانیم که
 همواره حقایق را به توده‌ها بگوئیم. حتی اگر در پاره‌ای موارد با ذهنیت عقب

مانده بخشی از آنها در تناقض باشد. ما در مقابل تعابلات عقب مانده و ارتجاعی آنها سر فرود نخواهیم آورد. ولی شما در این جا بخاطر توجیه حمایت خود از شیخ جلال چنین می‌کنید.

اما میماند این نکته که در مورد حزب دموکرات و شورای هماهنگی نیز اشاره هر چند بسیار کوتاهی در یک مورد از موارد اختلاف شما و ما و حزب دموکرات در آن روزها جهت روشن ساختن اذهان عمومی بنمائیم: در آن روزها که تهاجم سرکوبگرانه به خلق کرد به اوج خود رسیده بود و هیئت حاکمه با استفاده از ناآگاهی توده‌ها و حمایت عظیم آنان از خود به شکست افکار عمومی توده‌های غیر کرد را بر علیه کردستان و خلق کرد بسیج کرده بود و در آن شرایط به خاطر عملکرد حاکمیت، در ذهن بخش بزرگی از توده‌های غیر کرد، حزب دموکرات و جنبش مقاومت کردستان با همدیگر گره خورده بودند. ما و شما در برابر بسیاری از برخوردها و حرکات حزب دموکرات که شدیداً مخالف آنها بودیم (که مسئله رابطه با عراق و تحویل سلاح و مهمات و دیگر مسائل یکی از این موارد بود) آگاهانه سکوت کردیم و موقتاً سازش را انتخاب نمودیم زیرا هرگونه موضع گرفتن در آن شرایط بدترین ضربات را به خلق کرد و حیثیت او وارد می‌ساخت. و پروسه آگاه شدن توده‌های غیر کرد را نسبت به حقانیت خلق کرد در مبارزه‌اش که پیش می‌رفت دچار اختلال می‌نمود. رفقا! شما و ما بر عکس آن روشنفکران درازگو که به اصطلاح از "حقیقت‌گوئی" بسیار خوششان می‌آید سکوت کردیم و امروز باید به خودمان بخاطر متانت انقلابی که در آن روزها از خود نشان دادیم تبریک بگوئیم. ما بنوبه خود دست شما را صیقلی به این خاطر می‌فشاریم. اما در شرایطی که مجموع شرایط در ایران قویاً به نفع جنبش مقاومت خلق کرد تغییر یافته و باورها در مورد میهن پرستی واقعی خلق کرد به سرعت گسترش یافته است دیگر حساب خلق کرد را تنها به حساب یک یا چند نیروی خاصی نمی‌نویسند. حق نداریم و مجاز نیستیم در برابر هرگونه انحراف هر نوع وابستگی و ارتباط سکوت اختیار کنیم. ما بهمان دلایلی که در آن روزها سکوت کردیم امروز با صدای بلند فریاد می‌زنیم. ما آن روزها با

یکدیگر به یک سازش اصولی که در خدمت مصالح خلق بود دست زدیم ولی امروز ما شما را همراهی نخواهیم کرد. بهمین دلیل شما که در رابطه با حرکت شیخ جلال به بدترین سازش دست زده‌اید تنها مانده‌اید و برای آنکه این تنهائی در تاریکی را از خود دور کنید فریاد می‌زنید که شما سازش می‌کنید که حزب دموکرات را افشاء نمی‌نمائید.

و سرانجام ما نفهمیدیم که انتقاد ما از شیخ جلال چه ارتباطی با دروغ‌ها و جعلیات حزب بوده دارد؟ آیا پنهان شدن در پس‌پرده‌ها به این جریان آبرو باخته و خیانتکار و استفادۀ از آن بخاطر اثبات مدعا یک انگیزه خردۀ بورژوازی نیست؟ آیا شما نظیر آن دیپلومانهای چینی نیستید که همواره خلاف چیزی را می‌گویند که شوروی گفته باشد؟ اینگونه برخوردها از جانب شما غیرعقلانه می‌نماید. شعار مرگ بر حزب توده‌ها هر روز بزرگتر زیر نشریات خود بنویسید با بهانه دادن بدست آنها عملاً آنها را تقویت می‌نمایند. و در نتیجه‌گیری از استدلال‌های این چنینی رفقای کومه‌له خود را مرکز ثقل آشتی‌ناپذیری و انقلاب قرار داده و انتقاد و حمله به خود را حمله به اصول انقلابی در کردستان قلمداد مینمایند. به راستی که رفقا در فوجان طوفان برپا کرده‌اند و بیش از آنچه تصور می‌رفت نسبت به توان خود دچار توهم می‌باشید. از کجا این فکر به شما دست داد که سازش و دنباله‌روی در کردستان از مسیر مخالفت با سازمان زحمتکشان میگذرد که ما نیز داریم به آن می‌غلطیم. چیزی که شما دنباله‌روی از قدرت دنباله‌روی از بورژوازی و خردۀ بورژوازی نام نهاده‌اید، متأسفانه سرپوش بر مواضع انقلابی ماست و شما به‌علت اینکه این کلمات از آن خودتان نیستند بیش از این آن را توضیح نداده و به ذکر بی‌محتوی آن اکتفا کرده‌اید. و ما در آینده ضمن توضیح هرچه بیشتر مواضع خود محتوی این مدعی و تفکر شما را خواهیم شکافت.

با یادآوری این نکته که با وجود مطالعه چندین باره خطابیه هنوز هم برای پرسشهای خود پاسخ قانع‌کننده‌ای دریافت نکرده‌ایم. البته انتظار هم نداریم که رفقای کومه‌له با شناسایی بتوانند بدانها پاسخ گویند. و با این امید که مبارزه

ایدئولوژیک میان ما همواره از منافع تاریخی برولناریا پیروی کند. بر لزوم
تحکیم اصولی روابط رفیقانه خود با شما تأکید می‌کنیم.

تبرستان

www.tabarestan.info